

جناب ادیب دبستان عرفان جمال رحمن علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی الابهی

ای ادیب دبستان الهی دست و پری بگشا و آستینی بیفشان توجّهی بنما و بال و پری باز کن و پروازی آغاز نما و نغمه و آوازی از حنجر روحانی برآر و لحن حجازی و عراقی بنخوان بلبل گویای این گلزار شو و هزار هزارآواز این لاله‌زار شمع روشن انجمن عالم شو و جوهر جامع حقیقت آدم رخی منور کن ذیلی مطهر بنما مشامی معطر کن و عقلی مصور بین پرده مستوری برانداز و چون گل رسوای کوچه و بازار شو و اگر نقابی جوئی چون نور دیده در نقاب زجاجی و پرده شفاف صافی درآمست و مخمور شو محو و مشهور گرد واله شیدا شو سینه سینا جو آفت منجمدان باش و فارس میدان گرد نجم باز شو و نور لامع گرد کاری کن که در ملکوت ابهی و افق اعلی با رخی روشن و جانی چون گلشن مشهور گردی و نشر نفحات قدس نمائی و حشر معجام انس کنی و چون از مقرّ فنا بمکمن بقا توجّه نمائی با سپاه و جنود و طبل کوس و اعلام منشور و الویه مشهور آهنگ ملکوت ابهی کنی و البهاء علیک ع ع